

یکشنبه 31 اردیبهشت 1396

[printpdf](#)
[print](#)

روایتی از «سید آزادگان»!

[اسیری که با محبت «حاج آقا ابوترابی» متحول شد](#)



حاج آقا ابوترابی که او را «سید آزادگان» می‌نامند، با رفتاری که با اسرا داشت باعث تحول بسیاری از آن‌ها شد.

مقام معظم رهبری او را «ابر فیاض» نامید، او که در دوران اسارتش همچون ابر، بارانی از فیض را بر اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق می‌بارید. «حجت الاسلام سید علی اکبر ابوترابی فرد» سال‌ها در اردوگاه‌های عراق به اسرای ایرانی درس اخلاق و وارستگی داد. روایت‌های بسیاری از زبان آزادگان در خصوص حاج آقا علی اکبر ابوترابی آمده است که در ادامه چند روایت از ایشان را می‌خوانیم.

یکی از اسرا که بارها با جاسوسی اش برای عراقی‌ها سبب کتک خوردن بچه‌ها از جمله حاج آقا ابوترابی شده بود، مریض شد. از شدت تب می‌سوخت و نیاز به پرستاری داشت اما کسی حاضر نبود به کسی که این همه در حق دیگران بدی کرده رسیدگی کند. عراقی‌ها هم گوشه آسایشگاه ره‌ایش کردند. حاج آقا ابوترابی شب تا صبح بالای سرش نشست، مدام او را پاشویه می‌داد و به او رسیدگی می‌کرد. اسیر مزبور وقتی چشمانش را باز کرد و دید حاجی اینگونه دارد از او پرستاری می‌کند از خجالت سرخ شد و پتو را روی سرش کشید. صدای گریه اش آسایشگاه را پر کرده بود. بعد از آن شده بود مرید حاجی. حاجی با محبتش او را زنده کرد.

...

حاج آقا ابوترابی در ایام محرم دو زانو می‌نشست و با چهره‌ای برافروخته از امام حسین(ع) و یارانش می‌گفت. یک بار در خلال سخنانش گفت: «اگر عراقی‌ها اجازه عزاداری به ما نمی‌دهند و کتکمان می‌زنند پس ما نباید عزاداری جمعی داشته باشیم. چون هدف از اقامه عزای حسینی و نماد بیرونی اش تاثیرگذاری روی مردم است. اما اولین فلسفه اش تاثیرگذاری بر خودمان است. پس حالا که نمی‌توانیم بر روی عراقی‌ها تاثیرگذار باشیم باید مرحله دیگرش را از دست ندهیم و روی خودمان کار کنیم. پس هرکس خودش زیر پتویی که هست عزاداری کند.

این توصیه فقط مربوط به عزاداری امام حسین(ع) نبود. بلکه آن موقع هنوز نماز جماعت ممنوع نشده بود و اسرا بعد از نماز جماعتشان دعای «خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار» را یک صدا اما بی صدا می‌خواندند، عراقی‌ها مجبورشان کرده بودند که نباید نام خمینی را بیاورید، ابوترابی برای اینکه نماز جماعت تعطیل نشود به همه توصیه کرد که شما بگویید خدایا خدایا تا انقلاب مهدی آقامون را نگه دار. خدا که می‌داند آفتون کیه؟ دلیلی ندارد که بگویید خمینی. تازه این محترمانه تر هم

هست، خدا برایتان استجابت می کند.

...

سال 1375 در یکی از پیاده روی های حرم تا حرم افتخار داشتم همراه حاج آقا ابوترابی باشم. از دیدگاه سید آزادگان پیاده روی حرم تا حرم از دو حرکت تاریخی نشات می گرفت. یکی به تاسی از حرکت جناب اویس قرنی برای دیدار پیامبر(ص) بود زمانی که اویس نتوانست به دیدار پیامبر نائل بیاید و به شهرش بازگشت و پیامبر هم پس از مراجعت به مدینه فرمودند: «من بوی اویس را می شنوم.» و دیگری حرکت حضرت امام رضا(ع) از مدینه به سوی توس بود. که بنا به نقل تاریخی حدود 4 هزار نفر در نیشابور در انتظار رسیدن امام بودند و آن حدیث معروف لاله الا ا□□ حصنی فمن دخل حصنی امن من عذاب که به یادگار گذاشتند و حاج آقا ابوترابی بنای حرکت خود را بر این دو حرکت نهاده بودند.

...

مرحوم حاج آقا ابوترابی می گفت که یک ماشین صلیب سرخ از غرب وارد بغداد شد تا با اسرا مصاحبه کند. به اردوگاه آمدند و از من پرسیدند که اینجا شما را شکنجه می کنند؟ من از پاسخ دادن طفره رفتم. سرهنگ مسئول شکنجه بعد از مصاحبه پرسید که من خودم تو را شکنجه کردم تو چرا نگفتی که من شکنجه ات کردم؟ که ایشان در پاسخ گفتند: آیه «لن يجعل □□ للکافرین علی المومنین سبیلا» در قرآن می گوید برای کفار راهی را برای مسلمین باز نکنید. گرچه صدام ظالم است اما اگر من از شکنجه می گفتم برای مسیحیان باز می کردم تا بر عراق که یک کشور مسلمان است مسلط شود!

<http://khadem.koolebar.ir/node/1081>